



سوسن برن در سال ۱۹۳۴، از والدینی که باورهای مذهبی نداشتند، متولد می‌شود. با این همه بخش عمده حیات فکری او در سال‌های اولیه مدرسه، وقف باورهای مسیحی شده است. در سال ۱۹۵۲ به او یک بورس تحصیلی برای مطالعه متون کلاسیک در کالج (دانشکده) اکستر آکسفورد، اعطا می‌شود. بعد از دوران خدمت سربازی در ۱۹۵۴ به آکسفورد می‌رود. برای دریافت مدرک لیسانس (B.A) فلسفه، علوم سیاسی و اقتصاد را با تمرکز بر فلسفه آکسفورد در دهه ۵۰، چندان با نظام‌های مابعدالطبیعی، از قبیل خدا باوری این دریافت می‌رسد که فلسفه آکسفورد در دهه ۵۰، چندان با نظام‌های مابعدالطبیعی، از قبیل خدا باوری مسیحی ابر سر مهر نیست. با این حال، سوسن برن برای نیل به موقعیتی در فلسفه، سال‌های ۵۹-۱۹۵۷ را به عقلانی کردن مسیحیت، تدارک ببیند. وی برای این باور بود که فلسفه می‌تواند ابزارهایی جهت خواندن فلسفه می‌گذراند و در ۶۰-۱۹۵۹ به او مسئولیتی در فلسفه، سال‌های ۵۹-۱۹۵۷ را به زمانی، دیلم الاهیات خود را کسب کرده بود - داده می‌شود. او فلسفه را به نحو حرفه‌ای، برنامه دوره بعدی عمر خود قرار می‌دهد. سوسن برن، بر این باور است که علوم نظری مدرن، جدی‌ترین چالش‌ها را در حوزه فکری، برای مسیحیت روزگار ما پدید آورده است. لذا او به مطالعه و بررسی روزگار ما پدید آورده است.

مشغول می‌شود. سال‌های ۶۳-۱۹۶۱ یعنی فلسفه و تاریخ علم - در دانشگاه لیدز انگلستان - می‌گردد. در نتیجه، سال‌های ۶۳-۱۹۶۱ یعنی فلسفه و تاریخ علم - در دانشگاه لیدز انگلستان، مابعدالطبیعی دست می‌یابد. هر دو نظریه علمی، در صد تئیین این معناست که «چگونه جهان به شواهد، فراهم می‌کند؟» حال آن‌که نظریه علمی، در صد تئیین این معناست که «چگونه جهان به شواهد، فراهم می‌کند؟» حال آن‌که نظریه علمی، در صد تئیین این معناست که «چگونه جهان به شواهد، فراهم در آن است. سوسن برن می‌گوید: «از زمانی که به این نکته دست یافتیم، برنامه پژوهشی من، چنین ترسیم شد: کاربرد معیارهای علوم طبیعی نوین - که با تدقیقات فلسفی تحلیل شده - برای نشان دادن معناداری و اعتبار معرفتی^۲ الاهیات مسیحی» (سوسن برن، ۱۹۹۴).

توماس آکویناس، برای سوسن برن یک نمونه خوب برای روش الاهیاتی است. متفکری مسیحی که علم و فلسفه روزگار خود را به خدمت بنیاد گذاشتن الاهیات مسیحی می‌گیرد. مبدأ پروژه فکری سوسن برن مانند آکویناس، تفکر سکولار (دنیای) و مقصد او تأسیس نظام الاهیاتی است. او تصدیق می‌کند که ایمان،^۳ حاصل تصمیم و انتخاب شخصی است. ولی تأکید می‌کند که باید دلایل عقلانی برای توجیه^۵ افراد، در پذیرش مسیحیت، وجود داشته باشد.

۱. دوره فکری متقدم

نخستین سمت دانشگاهی سوئین‌برن، تدریس در دانشگاه هال است (۶۹-۱۹۶۳). در دوره اولیه زندگی دانشگاهی او، تمرکز عمده فعالیت علمی خود را مصروف فلسفه علم می‌کند. نخستین کتاب او فضا و زمان، ۱۹۶۸ حاصل این دوره کاری است. در سال ۱۹۷۲ به درجه استادی در دانشگاه گیل منصوب می‌شود. در دانشگاه گیل، تمرکز خود را از فلسفه علم به فلسفه دین تغییر می‌دهد و مجموعه سه جلدی خود در باب فلسفه خداباوری^۶ را ارائه می‌دهد: ۱. انسجام خداباوری (۱۹۷۷)؛ ۲. وجود خداوند (۱۹۷۹)؛ ۳. ایمان و عقل (۱۹۸۱).

دومین کتاب این مجموعه، تلاشی است به منظور بازسازی الاهیات طبیعی^۷ از طریق استنباط وجود خداوند با نگاه به نظم عالم و بدون توسل به وحی. «نفس و بدن»^۸ در نخستین دهه ۱۹۸۰، دغدغه عمده فکری اوست. در سال‌های ۸۴-۱۹۸۲ به ایراد سخنرانی در بنیاد گیفورد - سلسله سخنرانی‌های معتبر که به وظایف الاهیات طبیعی می‌پردازد و توسط لرد گیفورد در ۱۸۸۸ در دانشگاه‌های تاریخی اسکاتلند (قدیس اندروز، آبردین، ادینبورگ و گلاسکو) پایه‌گذاری شده - پرداخت. مطالب ارائه شده در این بنیاد، در قالب دو کتاب منتشر شده است. ۱. هویت شخصی (با همکاری سیدنی شوماخر ۱۹۸۴)؛ ۲. تحول روح (۱۹۸۶).

۲. دوره آکسفورد و بازنشستگی

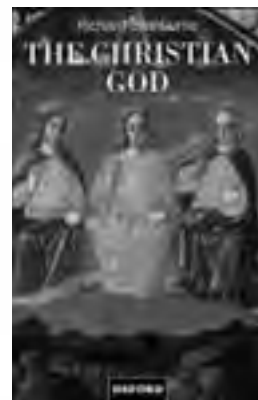
در سال ۱۹۸۵، به درجه استادی در فلسفه دین دانشگاه آکسفورد، منصوب می‌شود و به این سمت خود تا زمان بازنشستگی به سال ۲۰۰۲ ادامه می‌دهد. مکتوبات و آثار سوئین-برن در دوره آکسفورد، که به دنبال یافتن مبنایی بر آموزه‌های دینی، مسیحی، از منظری فلسفی است، در چهار جلد منتشر می‌شود. این چهار جلد، در واقع، مکمل آن مجموعه سه‌جلدی پیشین در الاهیات مسیحی است:

۱. مسئولیت و اصلاح^۹ ۲. وحی (۱۹۹۱) ۳. خدای مسیحی (۱۹۹۴) ۴. مثنیث الهی و مسأله شر (۱۹۹۸). از زمان بازنشستگی در سال ۲۰۰۲ سوئین‌برن کتاب رستاخیز خدای متجدد را نوشته و مشغول بازنویسی مکتوبات پیشین خود است.

۳. مضامین آثار

۱. بررسی انتقادی علوم نظری؛ ۲. توجیه خدا باوری؛ ۳. توجیه و تبیین آموزه‌های اساسی مسیحیت.

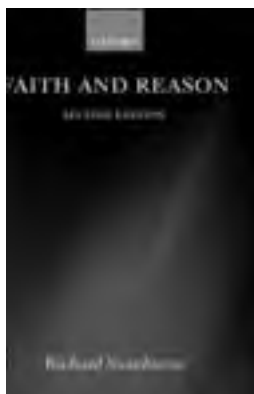
هدف عمده او، نشان دادن این نکته است که باورهای مسیحی در جهان معاصر به لحاظ عقلانی مقبول و مطلوب‌اند. او در صدد ارتباط فکری با مخاطبان غیردینی^{۱۰} بر اساس شیوه‌ای معقول است، لیکن در این مواجهه، به هیچ وجه، باورهای الهیاتی مسیحی را قربانی نمی‌کند. سوئین‌برن، سنت فلسفه تحلیلی^{۱۱} را برای تقریب^{۱۲} به دعاوی اصلی الاهیات مسیحی به کار می‌گیرد.



کتاب‌های اولیه او، انسجام خداباوری، وجود خداوند و عقل و ایمان، خط سیر مشترکی را دنبال می‌کنند. در کتاب اول، انسجام خداباوری به این مطلب می‌پردازد که این ادعا که «خدا وجود دارد» به چه معناست و بر این مطلب استدلال می‌کند که فرض وجود خداوند، مستلزم تناقض و ناسازگاری نیست. در دومین کتاب به ارزیابی قراین و شواهد^{۱۲} وجود خداوند می‌پردازد و در جلد سوم به بررسی رابطه جدال‌آمیز میان عقل و ایمان می‌پردازد. بعدها، سوئین‌برن آن مجموعه چهارجلدی را برای توجیه و تبیین آموزه‌های اساسی مسیحیت، منتشر می‌کند. این مجموعه چهارجلدی، نخستین آن، کتاب مسئولیت و اصلاح است که در آن به مباحثی چون، انسان‌ها به عنوان موجوداتی اخلاقی، گناه، غفلت و معنای صلیب می‌پردازد. دیگری، کتاب وحی است که در آن به این پرسش که خداوند چگونه با آدمیان ارتباط برقرار می‌کند، پاسخ می‌دهد و در کتاب سوم، یعنی مشیت الهی و مسأله شر به بحث در باب عدل الهی^{۱۴} می‌پردازد و در آن درباب آموزه‌های خاص مسیحیت یعنی تثلیث^{۱۵} و تجسد^{۱۶} بحثی جدی عرضه می‌کند. در کتاب هویت شخصی نیز به بحث درباب معنای انسان بودن می‌پردازد، هم‌چنین در این کتاب به نظریه معرفت در توجیه معرفت‌شناختی و احتمال رستاخیز مسیح در رستاخیز خدای متجسد می‌پردازد.

طرح کلی آثار اصلی سوئین‌برن ۱. وجود خداوند (The existence of God)

سوئین‌برن در ویرایش دوم «وجود خداوند» این کتاب را مهم‌ترین و جدی‌ترین کتاب خود در میان مکتوباتش در حوزه فلسفه دین تلقی می‌کند (سوئین‌برن، ۱۹۷۹، به ویرایش دوم ۲۰۰۴، V)، این کتاب، استدلال‌هایی را که در موافقت یا مخالفت با ادعای «وجود خداوند» ارائه شده، ارزیابی می‌کند. سوئین‌برن، اعتقاد به وجود خداوند یا خداباوری را اصل اساسی و مهمی در ادیان توحیدی مسیحیت، یهودیت و اسلام می‌داند. وی در این کتاب، عمدتاً در باب ادله‌ای که در موافقت با وجود خداوند ارائه شده است بحث می‌کند. ولی فقط یک فصل را به جدی‌ترین دلیلی که در مخالفت با خداباوری ارائه شده است، یعنی مسأله شر^{۱۷} اختصاص می‌دهد. وی در پاسخ به این سؤال که «اعتقاد به وجود خداوند، چه دلیلی دارد؟» می‌گوید، خداوند، بهترین فرضیه^{۱۸} برای تبیین اکثر تجارب انسانی است. وجود خداوند قانع‌کننده‌ترین تبیین برای واقعیت جهان، عملکرد قوانین کلی طبیعت، تکامل انسان‌ها، توسعه شخصیت انسانی، گزارش معتبر تاریخی حیات و مرگ و رستاخیز عیسی مسیح (ع) و این ادعای بسیاری از انسان‌ها که از تجارب خود در مواجهه با خداوند سخن می‌گویند، است. سوئین‌برن، بعدها تبیین‌های ساده‌تر و مفهوم‌تری را به منظور موافقت و تأیید خداباوری در کتاب آیا خدایی هست؟ (۱۹۹۶) می‌آورد. سوئین‌برن از نوعی روش استدلال استقرایی^{۱۹} بهره می‌گیرد این نوع استدلال‌ها، ساختار





شخصی، با ارجاع به اشخاص و اهدافی که دارند، به تبیین پدیده-ها می پردازد.

برای مثال، شخصی ممکن است دست خود را برای نوشتن یک مقاله حرکت دهد و یا فنجانی را برای نوشیدن در روی میز قرار دهند. به نظر سوئین برن، خداواری، فرضیه‌ای است که به طرح این معنا می پردازد که خداوند وجود دارد، جهان را خلق کرده و آن را در یک سازوکار منظم حفظ می کند. خداوند، ساده-ترین فرضیه یا نظریه برای واقعیت جهان است. در این دیدگاه خداوند به نحو تمثیلی^{۲۳} به مثابه شخصی تلقی می شود که به نحو هدف مندی عمل می کند. خداوند همان طور که ما به نحو بی-واسطه در اذهان مان تصرف می کنیم، در جهان به نحو بی-واسطه، عمل می کند. و جهان، کالبد خداوند نیست چرا که هر لحظه می تواند آن را از میان بردارد و یا اینکه در جهان دیگری عمل کند یا این که اساساً بدون آن عمل کند.

۲. تحول روح (۱۹۸۶)

سوئین برن با تبیین های مادی گرانه ای^{۲۴} که انسان ها را به اشیای مادی مصنوعی، تقلیل می دهند بر سر مهر نیست. در کتاب تحول روح (۱۹۸۶) از شکلی که از ثنویت جوهری^{۲۵} دیدگاهی که آن را در فلسفه های افلاطون و دکارت یافت - دفاع می کند، این که انسان ها مرکب از دو جوهر هستند، دو موجودیت: ۱. روح (افکار و احساسات) ۲. بدن (حجم و شکل).

موضع سوئین برن، در باب ثنویت جوهری، مبتنی بر تحلیل او از: الف) آگاهی انسانی ب) محدودیت علم برای تبیین آگاهی انسانی است.

«آگاهی انسانی دارای جنبه های طبیعی و جنبه های ذهنی است. رویدادهای مغزی که رویدادهایی طبیعی هستند در تعامل^{۲۶} و عملکرد متقابل با رویدادهای ذهنی هستند؛ گرچه این دو از یکدیگر متمایزند. علم، توانایی تبیین مکانیزم آگاهی آدمی را ندارد. ویژگی های ذهنی در آگاهی، از طریق فرض وجود روح (یا نفس)^{۲۷} به بهترین شکل تبیین می شوند، البته روحی که با بدن معیت (همراهی) دارد. ثنویت جوهری، آدمیان را چنان که واقعاً هستند، توصیف می کند و این دیدگاه با امید مسیحی به بقای پس از مرگ، سازگار است. نظریه «عود ارواح» که من در این کتاب از آن دفاع کرده ام، همان است که در کتاب مقدس آمده است. و این باور مشترک عهدین (عهد قدیم و جدید) هر دو است. این حیات پس از مرگ، در باور مسیحی، یک جاودانگی طبیعی نیست، بلکه نوعی مداخله خداوند در تاریخ تلقی می-شود» (سوئین برن، ۱۹۸۶، ویراست تجدید نظر شده، ۱۹۹۷، ۳۱۱). سوئین برن دیدگاه افلاطونی در باب روح را به عنوان موجود جاودانی که جاودانگی روح را به دلیل خاصیت ذاتی ای که در آن است می دانست نمی پذیرد. در تصویری که عهد جدید از رستخیز مردگان ارائه می دهد، رستخیز جسم و روح مردگان نه به دلیل خاصیتی ذاتی که معلول فعل الهی است. اراده الهی به

مشترکی دارند و آن این که برای تبیین امور مشاهده پذیر به اموری که قابل مشاهده نیستند، متوسل می شوند، این شکل از استدلال، در علم، فلسفه و تاریخ، کاربرد دارد. مطالعه سوئین برن در حوزه علم شناسی فلسفی و تاریخی او را به این معنا متوجه ساخت که پیشرفت قابل توجه در علم جدید، مرهون چیزی بیش از مشاهدات صرف است. از نظر سوئین برن، وجود جهان و نظمی که در جهان است، پدیده هایی هستند که قرینه ای دال بر وجود خداوند هستند. سوئین برن، وجود جهان را واقعیتی قابل توجه می داند که محتاج تبیین است.

علم فقط می تواند وقوع و وضعیت از امور^{۲۸} را از طریق وضعیت های پیشین، تبیین کند. به عنوان نمونه، علم، این مطلب را که چرا سیاره ها در وضع کنونی شان در منظومه شمسی هستند را از طریق وضعیت گذشته این نظام (منظومه شمسی) تبیین می کند. لیکن علم، توانایی تبیین این مطلب را که «چرا وضع امور چنین است؟» را ندارد. علم، توانایی تبیین چگونگی جهان را دارد ولی توانایی تبیین چرایی وجود جهان را ندارد. پدیده دوم، یعنی نظم عالم و عملکرد قوانین عام و کلی طبیعت هم به گونه ای است که علم توانایی تشخیص این قوانین و نظم عالم را دارد ولی علم به این مسأله نمی پردازد که چرا قوانین عام و کلی طبیعت وجود دارند. قدرت تبیینی علم، محدود است. پروژه فکری سوئین برن در این پرسش خاص صورت بندی و تعریف می شود: «چرا چنین اشیایی موجودند؟». سوئین برن معتقد است که آدمیان در تبیین پدیده ها از دو نوع تبیین بهره می گیرند، تبیین علمی^{۲۹} و تبیین شخصی^{۳۰}، تبیین علمی، مستلزم عملکرد قوانین عام طبیعت است و به وضع امور چنان که هست، ارجاع می دهد، لیکن تبیینی برای اصل وجود جهان قاعده مند نمی دهد. تبیین

این تعلق گرفته است که ارواح انسانی در این دنیا و در حیات پس از مرگ دارای بدن باشند و روح می‌تواند به سبب فعل خاص الهی باقی بماند و یا مستقل از بدن عمل کند.

۳. مسئولیت و اصلاح (۱۹۸۹)

در این کتاب، سوئین‌برن به ترسیم چارچوبی برای خیرات و شرور به لحاظ اخلاقی، عینی،^{۲۸} می‌پردازد. این چارچوب به منظور توصیف ماهیت رابطه اخلاقی بین خدا و انسان‌ها ارائه شده است. فرزندان، وامدار والدین خود هستند چرا که آن‌ها را تا رسیدن به حد بلوغ و تشکیل زندگی مستقل، مراقبت کرده‌اند. خداوند هم به جهت خلق آدمیان، نسبت به آن‌ها صاحب نوعی حق اخلاقی است.

انسان‌ها وجود خود را وامدار قدرت خلاقه خداوند هستند و نوعی قدرشناسی، تعهد و تکلیف نسبت به خداوند دارند. آدمیان سراپا احتیاج و وابستگی به خداوند هستند و زندگی سعادت-مندانه خود را وامدار خداوند هستند. تکالیف نسبت به خداوند مستلزم تکالیف اساسی نسبت به انسان‌هاست. در واقع، انسان-ها، فاعل‌های اخلاقی مسئول نسبت به خداوند هستند، به جهت اعمال آگاهانه و عامدانه که بالضرورة، معطل به علل پیشینی نیستند (سوئین‌برن، ۱۹۸۹، ۶۳).

انسان‌ها، واجد اختیار و اراده آزاد هستند، بدین معنا که قادر بر انجام دادن و ترک کردن افعال هر دو، هستند. از نظر سوئین‌برن، گناه، به معنای قصور در تکالیف انجام تکالیف الهی است (همان، ص ۱۲۴). آموزه «گناه نخستین»^{۲۹} بر تمایلات و کشش‌های انسانی نسبت به گناه دلالت دارد، لیکن از آن‌جا که خداوند خواهان سعادت آدمیان است، از طریق مرگ عیسی مسیح (ع) بر صلیب، کفاره این گناهان را پرداخت. تصویر عهد جدید از تصلیب مسیح (ع) قانع‌کننده‌ترین الگو، از آن‌چه خداوند، در حیات و مرگ عیسی (ع) انجام داد را ارائه می‌کند. ما آدمیان نیز برای زدودن گناهانمان می‌توانیم به تبعیت از آن الگو، طریق توبه و طلب آموزش را طی کنیم.

۴. وحی (۱۹۹۱)

سوئین‌برن معتقد است که اگرچه می‌توان با اتکا به عقل بشری، برای وجود خداوند، موضع قابل دفاعی ارائه کرد، لیکن با این همه، وحی برای آدمیان ضروری است، چرا که آدمیان نمی‌توانند تمام آگاهی خود نسبت به خداوند را بر داده‌های ظنی (گمان) بنا کنند. سنت مسیحی، تصدیق می‌کند که خداوند از طریق وحی، حقایق ضروری و مهمی را که راهنمای انسان‌ها در ابعاد مختلف زندگی آن‌هاست ارائه کرده است. وحی الهی ممکن است از طریق خداوند و یا در قالب حقایق گزاره‌ای^{۳۰} باشد. مسیحیت معتقد است که وحی مسیحی، شامل هر دو می‌شود، این‌که خداوند متجسد می‌شود و از طریق این تجسد، حقایق گزاره‌ای متنوعی، اعلان می‌شود (سوئین‌برن، ۱۹۹۲، ۲).

بحث سوئین‌برن، بیشتر معطوف به وحی گزاره‌ای است. «گزاره»^{۳۱} ادعایی است در باب ماهیت واقعیت که در جملات^{۳۲} مترادف به لحاظ معنایی، قابل بیان است. ^{۳۳} تعالیم بیان شده در کلمات مسیح (ع)، وحی حقیقی هستند که در قالب گزاره بیان شده‌اند. کلماتی که خدای متجسد بیان کرده است.

۵. خدای مسیحی (۱۹۹۴)

سوئین‌برن آموزه مسیحی تثلیث را می‌پذیرد. تثلیث به این معناست که «سه شخص، یعنی پدر، پسر و روح القدس اتحاد جوهری دارند». او آموزه تجسد را نیز می‌پذیرد. آموزه تجسد، باور به این معناست که یکی از اشخاص سه-گانه تثلیث (یعنی مسیح) بر صلیب می‌رود.

سوئین‌برن در این کتاب، به دفاع از خداپسوری در برابر دیدگاه‌های رقیب آن می‌پردازد. خداوند، شخص است به این معنا که باورهایی دارد و می‌تواند اعمال هدف‌مند^{۳۴} انجام دهد. سخن گفتن از خداوند به منزله یک شخص، متضمن کاربرد تمثیلی زبان است. خداوند، فاقد بدن است، هر چند می‌تواند واجد بدن باشد، لیکن به هیچ وجه، قائم به بدن نیست. خداوند، حضور همه‌جایی و مطلق دارد بدین معنا که به نحو هدف‌مند و بی‌واسطه در هر زمان و مکانی عمل می‌کند.

همان‌طور که ما به طور بی‌واسطه در اذهانمان تصرف می‌کنیم. علم مطلق او به تمام پدیده‌ها و احوال تعلق می‌گیرد. جهان موجود است، چرا که خداوند آن را خلق کرده و حافظ و نگاه-دارنده آن است.

خداوند دارای اختیار مطلق^{۳۵} است؛ بدین معنا که عاملی خارج از اراده خداوند، او را به انجام کاری مجبور نمی‌کند. «خداوند، صرفاً براساس ملاحظات عقلانی، عمل می‌کند» (همان، ۱۲۸).

سوئین‌برن به قدرت مطلقه خداوند قائل است با این توضیح که قدرت مطلق او به آن‌چه به لحاظ منطقی محال است، تعلق نمی‌گیرد. سوئین‌برن برای قدرت مطلق خداوند، محدودیت قائل است. خداوند خیر مطلق است و به نحوی عمل می‌کند که با خیرخواهی او سازگار باشد.

سوئین‌برن در این کتاب، به ارائه استدلالی پیشینی، برای آموزه تثلیث می‌پردازد. هر چند این استدلال پیشینی را با آموزه محوری «عشق به مثابه خیر اعلی» در مسیحیت، پیوند می‌دهد. (همان، ۱۷۷). تکوین شخص دوم (پسر) را ناشی از ضرورتی عقلی در فرد اول (پدر) و تکوین شخص سوم (روح القدس) را به گوهر عشق، مربوط می‌داند.

در طول تاریخ سنت مسیحی، آموزه تثلیث به این شیوه تعبیر می‌شد که فقط یک خدا وجود دارد به مثابه سه شخص و مسیحیت هرگونه آموزه مبتنی بر سه‌خدایی یا وجود سه خدا را نمی‌پذیرد (همان، ۱۸۱). سوئین‌برن می‌گوید: الاهیدانان مسیحی متقدم، مفهوم «خلقت» به معنای «به‌وجود آوردن چیزی از طریق

می‌داند. سوئین‌برن به گفت‌وگویی انتقادی با فلاسفه‌ای چون جان هیک و آلون پلاتینجا پرداخته است.^{۳۱}

پی‌نوشت‌ها:

1. Christian Theism
2. Explanation
3. Justification (توجیه)
4. Faith
۵. در این‌جا منظور از «توجیه»، نه دلیل تراشی بلکه justification به معنای معرفت‌شناختی آن است چنان‌که در Epistemology آمده است. (مراجعه کنید به: معرفت‌شناسی، منصور شمس، انتشارات طرح نو، ۱۳۸۵) (م)
۶. خداباوری، ترجمه Theism است. (م)
۷. مسئله ذهن و بدن یا نفس و بدن (mind and body) که از دکارت به نحو جدی آغاز می‌شود. (م)
۸. اصلاح را معادل (Atonement) قرار داده‌ایم که معنای کفاره و جبران هم می‌دهد.
9. Secular
10. Analytic philosophy
11. Approach
12. Evidence
13. Theodicy
14. Trinity
15. Incarnation
16. Problem of evil
17. Hypothesis
18. Inductive argument
19. Stat of affaris
20. Scientific explanation
21. Personal explanation
22. Analogy
23. Materialist
24. Substanced dualism
25. Interaction
26. Soul
27. Objective moral goodness and badness
28. Original sin
29. Propositional revelation
30. Proposition
31. Sentence
۳۲. این تفکیک «گزاره» و «جمله» از تمایزات مهم در فلسفه منطقی است.
33. Intentional

فعل اراده» را در مورد تثلیث به کار نمی‌بردند. پسر، متولد^{۳۶} از طریق خداوند است و روح القدس، حاصل^{۳۷} عمل مشترک خداوند و پسر است. افراد الهی (پدر، پسر، روح القدس) فردیت خود را از روابط علی میان خود می‌گیرند (همان، ۱۷۷). سوئین‌برن در ادامه کتاب به این بحث می‌پردازد که خداوند می‌توانست آدمیان را بدون این‌که نیازی به عمل تجسد باشد، مورد آموزش قرار دهد (همان، ۲۲۰).

۶. مشیت الهی و مسأله شر (۱۹۹۸)
سوئین‌برن در این کتاب به طرح مسأله «عدل الهی»^{۳۸} یعنی تبیین درد و رنج بشر در رابطه با خدا و صفات او در سنت مسیحی می‌پردازد. دیدگاه سوئین‌برن در باب قدرت مطلقه^{۳۹} خداوند، به این معناست که در تحلیل نهایی، خداوند، مسئول درد و رنجی است که آدمیان با آن از ناحیه دیگر انسان‌ها یا طبیعت، دست به گریبان‌اند. اعتقاد سوئین‌برن به این‌که خداوند، خیر مطلق^{۴۰} است، او را به این دیدگاه سوق می‌دهد که بر خداوند روا نیست که آدمیان را به درد و رنج مبتلا کند، مگر این‌که این درد و رنج در خدمت خیرات و نیکی‌های بیشتری باشد. سوئین‌برن به اختیار آدمیان قائل است و آدمیان را فاعلان اخلاقی مسئول نسبت به خداوند می‌داند. لیکن همین انسان‌ها، مستعد گناه هستند و گناه هم، سهو و خطا در برابر خداوند است. در نظریه عدل الهی سوئین‌برن خوب بودن^{۴۱} از شاد بودن^{۴۲} مطلوب‌تر است.

۷. رستاخیز خدای متجسد (۲۰۰۳)
در این کتاب، سوئین‌برن به طرح، تبیین و دفاع از نظریه تجسد مسیحی می‌پردازد. رستاخیز مسیح (ع) به این معناست که خداوند، قربانی شدن مسیح (ع) بر صلیب را برای جبران گناه عالمیان پذیرفت. هم‌چنین به معنای بازخرید ارواح و اجسام آدمیان است (سوئین‌برن، ۲۰۰۳، ۱). این کتاب در چهاربخش به قرائن تاریخی تجسد، بررسی زندگی و تعالیم مسیحی و تبیین عناصر طبیعی موجود در رستاخیز عیسی مسیح (ع) و نقد نگاه مفسران عهد جدید به این مسأله می‌پردازد و با تأمل در معنای رستاخیز، نگاهی انتقادی به تبیین‌های رقیب^{۴۳} در این زمینه دارد.

رابط سوئین‌برن با دیگر متفکران

سوئین‌برن، مواضع نظام‌های فلسفی‌ای را که امکان واقعیت مابعدالطبیعی را انکار می‌کنند و همین‌طور نظام‌های الاهیاتی را که برای عقل، محلی از اعراب قائل نیستند، نمی‌پذیرد. به نظر سوئین‌برن، برن، مفروضات و مدل‌های فلسفی‌ای که قدرت اقتناعی ضعیفی دارند، میراث هگل، نیچه، هیدگر، سارتر و به‌ویژه کیرکگارد است، چرا که کیرکگارد، انتخاب جهان‌بینی‌ها^{۴۴} را مسئله کاملاً غیرعقلانی^{۴۵} می‌دانست. سوئین‌برن، کثیری از نظام‌های الاهیاتی، الاهیدانان قاره‌ای اروپا^{۴۶} در نیمه قرن بیستم را مبتلا به این آفت

1. Richard Swinburne home page.

در سایت دانشگاه آکسفورد قابل دسترسی است و در آن فهرست تمامی کتاب‌ها و مقالات سوئین برن تا سال ۲۰۰۸ موجود است. فایل PDF برخی مقالات و بررسی کتاب هم در آنجا یافتنی است.

۲. دایرةالمعارف ویکی پدیا

۳. سایت بنیاد گیفورد

4. www.Amazon.com

* مشخصات کتاب‌شناختی مقاله: این مقاله از سایت دایرةالمعارف الاهیات غربی به آدرس اینترنتی زیر، به فارسی ترجمه شده است.

<http://people.bu.edu/wwildman/bce/>

34. Perfectly free

۳۵ و ۳۶. (Begotten). (متولد) و (generated). (محصول - حاصل) این‌ها معانی لغوی این واژه‌هاست با توجه به اهمیت بحث تثلیث در سنت مسیحی، به گمانم اصل واژه‌ها باید با معانی خاصی که در فرهنگ مسیحی دارند لحاظ شوند(م).

37. theodicy

38. omnipotent

39. perfect goodness

۴۰ و ۴۱. به ترتیب (good) و (happy)

42. alternative

43. world - view

44. irrationalism

45. European continental Theologians

منابع مکتوب و الکترونیکی مقاله

۱. عقل و دین مسیحی (مقالات ارائه شده در بزرگداشت ریچارد سوئین برن). ویراستار آلن پدگت، آکسفورد، انتشارات کلارندن، ۱۹۹۴م.

۲. فضا و زمان، ریچارد سوئین برن، لندن، انتشارات مک میلان، ۱۹۶۸م.

۳. مفهوم معجزه، ریچارد سوئین برن، لندن، انتشارات مک میلان، ۱۹۷۱م.

۴. مقدمه‌ای بر تئوری اثبات، ریچارد سوئین برن، لندن، ۱۹۷۳م.

۵. انسجام خداپاوری، ریچارد سوئین برن، آکسفورد، ۱۹۹۳م.

۶. وجود خداوند، ریچارد سوئین برن، ویراست دوم، آکسفورد، ۲۰۰۴م.

۷. ایمان و عقل، ریچارد سوئین برن، ویراست دوم، آکسفورد، ۲۰۰۵م.

۸. هویت شخصی، ریچارد سوئین برن، با همکاری شوماخر، بلک ول، ۱۹۸۴م.

۹. تحول روح، ریچارد سوئین برن، آکسفورد، ۱۹۹۷م.

۱۰. مسئولیت و اصلاح، ریچارد سوئین برن، آکسفورد، ۱۹۸۹م.

۱۱. وحی، ریچارد سوئین برن، آکسفورد، ۱۹۹۱م.

۱۲. زندگی نامه خودنوشت فکری، در منبع ش (۱)، آکسفورد، ۱۹۹۴م.

۱۳. خدای مسیحی، سوئین برن، آکسفورد، ۱۹۹۴م.

۱۴. مشیت الاهی و مسأله شر، سوئین برن، آکسفورد، ۱۹۹۸م.

۱۵. توجیه معرفت‌شناختی، ریچارد سوئین برن، آکسفورد، ۲۰۰۱م.

۱۶. رستاخیز خدای متجسد، ریچارد سوئین برن، آکسفورد، ۲۰۰۳م.